

بحران داخلی دولت اردوغان پس از تغییر ساختار سیاسی

امیر ساجدی*

جواد بیگلری^۲

چکیده

پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در سال ۲۰۰۳، تلاش‌های گسترده‌ای برای کاهش ارزش‌های کمالیستی و نفوذ ارتش در ساختار سیاسی ترکیه از طریق اصلاحات و دموکراتیزه کردن جامعه و همچنین پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا صورت گرفت. انجام این دست از امور نگرانی‌هایی را در ارتش به وجود آورد که در نهایت منجر به کودتای ناموفقی در سال ۲۰۱۶ گردید. کودتا زمینه مناسبی را برای تغییر در ساختار سیاسی ترکیه از طریق همه‌پرسی قانون اساسی در سال ۲۰۱۷ فراهم آورد که در نهایت منجر به افزایش قدرت اردوغان در ساختار سیاسی جدید ترکیه شد. سؤال مطرح این است که با وجود عدم حمایت مردم و احزاب سیاسی از کودتا، چرا پس از تغییر قانون اساسی برخی از احزاب سیاسی و تعداد زیادی از شهروندان ترکیه معترض به حزب حاکم و رهبریت اردوغان شده‌اند؟ در پاسخ به سؤال فوق این فرضیه مورد آزمون قرار گرفت که علت شکل‌گیری چنین نارضایتی‌هایی، نحوه کشورداری اردوغان و اتخاذ سیاست‌های اقتدارگرایانه از سوی وی بوده که نهایتاً به تضعیف روند دموکراسی در این کشور منجر شده است. در این مقاله از نظریه بحران مشروعیت و روش تبیینی برای درک تغییر ساختار سیاسی ترکیه استفاده و هدف پژوهش نشان‌دادن اقتدارگرایی رهبر حزب عدالت و توسعه می‌باشد.

واژگان کلیدی: بحران مشروعیت، اردوغان، حزب عدالت و توسعه، اقتدارگرایی، تغییر ساختار

سیاسی



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

سی و سوم

پاییز ۱۳۹۸

۱. عضو هیأت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

* amir_sajedi2001@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۳۰

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و سوم، صص ۱۳۴-۱۱۱

مقدمه

برآورد دهه اول قدرت‌گیری حزب عدالت و توسعه، نشان از گذار واقعی جامعه ترکیه به سوی مردم‌سالاری و توسعه همه‌جانبه در این کشور دارد. دستگاه‌های نظامی و امنیتی به‌مرور از مداخله در امور سیاسی منع شده و مردم آزادانه‌تر به روابط اجتماعی و فردی خویش می‌پرداختند. ادامه این روند باعث رضایت روزافزون شهروندان ترکیه از حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه و شخص اردوغان شده بود. اما با توجه به بروز رفتارهای سرکوبگرانه و عدول حزب عدالت و توسعه از ارزش‌های کمالیستی، نوعی نارضایتی در کمالیست‌ها و به‌خصوص نظامیان به‌وجود آورد که در نهایت منجر به کودتای سال ۲۰۱۶ شد که این کودتا با عدم حمایت همه‌جانبه مردم و احزاب سیاسی در همان ساعات اولیه با شکست مواجه شد. شکست کودتای مذکور بهانه‌ای شد تا اردوغان به قلع‌و‌قمع گسترده مخالفان خود حتی اسلام‌گرایانی همچون گولنیست‌ها (طرفداران فتح‌الله گولن) بپردازد. اما این تمام ماجرا نبود و اردوغان برای اجرایی کردن نیت سیاسی‌اش به برگزاری همه‌پرسی تغییر قانون اساسی متوسل شد. در نهایت این همه‌پرسی در آوریل سال ۲۰۱۷ میلادی برگزار شد و بر اساس آن ساختار سیاسی ترکیه تغییر یافت. بر اساس این تغییرات پیشنهادی، ساختار پارلمانی نظام سیاسی ترکیه تغییر کرده و صاحب یک ساختار ریاستی شد و رئیس‌جمهور این کشور قدرت اجرایی گسترده‌ای پیدا کرد. پیش از سال ۲۰۱۴ میلادی، رئیس‌جمهوری ترکیه منصبی تشریفاتی بود که برای یک دوره هفت ساله از سوی پارلمان انتخاب می‌شد؛ اما با تغییرات قانون اساسی از سوی حزب عدالت و توسعه، اردوغان توانست برای نخستین بار در تابستان سال ۲۰۱۴ میلادی با آرای مستقیم مردمی به عنوان دوازدهمین رئیس‌جمهور ترکیه و نخستین رئیس‌جمهور منتخب با آرای عمومی مردم به مقام ریاست‌جمهوری برسد. تغییر قانون اساسی ترکیه گام نهایی حزب حاکم ترکیه و اردوغان برای ایجاد سازوکارهای لازم به منظور کسب حداکثر قدرت سیاسی در این کشور است. در چارچوب لایحه تغییر قانون اساسی که بندهای آن در دسامبر سال ۲۰۱۶ میلادی در جلساتی پرتنش در پارلمان ترکیه به تصویب رسید، پست نخست‌وزیری حذف شده و رئیس‌جمهور، رئیس کشور و مسئول انتخاب و اداره هیئت وزیران خواهد بود. در این پژوهش ساختار سیاسی جدید

ترکیه به‌عنوان متغیر ثابت و بحران داخلی دولت اردوغان به‌عنوان متغیر وابسته می‌باشد. هدف این مقاله نشان‌دادن اقتدارگرایی اردوغان، رهبر حزب حاکم می‌باشد و برای این منظور سعی گردیده تا با روش تبیینی ایده‌هایی که باعث تغییر در ساختار سیاسی ترکیه شده را مورد بررسی قرار دهیم. سؤالی که در این پژوهش مطرح شده این است که چرا پس از تغییر قانون اساسی تعداد زیادی از شهروندان ترکیه و برخی از احزاب سیاسی نسبت به رهبری اردوغان در ساختار سیاسی جدید ترکیه معترض شده‌اند. در پاسخ به سؤال فوق، فرضیه دور شدن اردوغان از نظام مردم‌سالاری مطرح و به تحلیل فرایند ناشی از نارضایتی‌ها و بحران مشروعیت بر اثر این تغییر و همچنین تأثیرات آن بر آینده اردوغان و حزبش خواهیم پرداخت.

پیشینه تحقیق

گل محمدی، ولی (۱۳۹۵). کودتای نافرجام ترکیه، پیامدهای راهبردی و چشم انداز. مجله روابط خارجی، شماره ۳۰، صص ۹-۱۶. در این نوشتار، نویسنده به پدیده کودتای نظامی در ترکیه برای پاسداری از نهادهای دموکراتیک و حفاظت از بنیان‌های کمالیسم از سوی ارتش و زمینه‌های وقوع کودتا در سال ۲۰۱۶ می‌پردازد. همچنین در ادامه به بررسی روابط بین دولت و نهاد ارتش، روابط حزب عدالت و توسعه با جماعت گولن و تعامل نیروهای سیاسی - مدنی گروه‌های اسلام‌گرا و کمالیست‌ها و ارتباط آن با نیروهای خارجی می‌پردازد. نویسنده در این مقاله از سه سطح تحلیل برای بررسی زمینه‌های داخلی، تاثیر متغیرهای خارجی بر روابط نیروهای داخلی و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ ترکیه استفاده می‌کند.

بصیری، محمدعلی؛ مجیدی نژاد، سیدعلی؛ عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۶). علت کاوی کودتای نافرجام ۲۰۱۶ ارتش ترکیه علیه حزب عدالت و توسعه، مجله مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳۷، صص ۳۹-۶۴. نویسندگان در این مقاله به بررسی دلایل وقوع کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ ترکیه بر اساس نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گار پرداخته‌اند؛ و از جمله دلایل وقوع کودتای نافرجام را محروم شدن ارتش از ارزش‌های معطوف به قدرت خود و محروم شدن از انتظارات فزاینده دخالت در سیاست در ترکیه

که توسط حزب عدالت و توسعه از طریق سلسله اقداماتی همچون منحل شدن سازمان ارگنه‌کون، اصلاحات قانون اساسی در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳، عدول حزب عدالت و توسعه از ارزش‌های کمالیستی و... می‌دانند. همچنین در ادامه به دلایل شکست کودتا همچون عدم حمایت مردم و احزاب مخالف از ارتش، نقش رسانه‌های جمعی که پیام رئیس‌جمهور را به مردم برای دفاع از دولت منعکس می‌کرد و... پرداخته‌اند که در نهایت باعث شکست کودتا گردید.

سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ فرحمند، صغری (۱۳۹۵). کودتای ۲۰۱۶ ترکیه و آینده حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه با تاکید بر روش سناریو نویسی، فصلنامه رهیافت-های سیاسی و بین‌المللی. شماره ۴۵، سال هفتم، صص ۱۵۶-۱۲۲. در این نوشتار، نویسندگان به بررسی کودتای سال ۲۰۱۶ ترکیه و آینده حزب عدالت و توسعه بر پایه آینده‌پژوهی و تکنیک سناریوپردازی پرداخته‌اند. در این مقاله به چهار سناریو در دو دسته کلی سناریوی مطلوب و سناریوی نامطلوب پرداخته شده است. اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شکست کودتای مذکور و برگذاری موفق همه‌پرسی در سال ۲۰۱۷، دولت را به سمت مناسبات سلطه‌آمیز سوق خواهد داد و چنانچه حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان از سازوکارهای دموکراتیک استفاده ننمایند، مشروعیت خود را از دست خواهند داد. نویسندگان مقاله معتقدند که اصلاحات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اصلاحات دموکراتیک پاسخگوی بحران‌های موجود در ترکیه نمی‌باشد و سران حزب عدالت و توسعه برای خروج از بحران و حفظ مشروعیت خود نیازمند آن است که دست به اصلاحات گسترده‌تری بزنند.

مسعودنیا، حسین؛ عالی‌شاهی، عبدالرضا (۱۳۹۷). کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه بر اساس نظریه شکاف‌های اجتماعی، فصلنامه دولت‌پژوهی، شماره ۱۶، سال چهارم، صص ۱۷۵-۲۱۰. در این مقاله، نویسندگان به بررسی و واکاوی کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ ترکیه بر اساس نظریه شکاف‌های اجتماعی پرداخته‌اند؛ پژوهشگران در این نوشتار معتقدند که وجود و تعمیق شکاف‌های متعدد همچون شکاف ترک و کرد، علوی‌ها و دولت، ارتش و دولت و... باعث بروز کودتا در سال ۲۰۱۶ شده است. از این روی در این نوشتار به تبیین شکاف موجود میان ارتش و حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۳ تا

۲۰۱۶ می‌پردازد. نویسندگان این مقاله بروز کودتای مذکور را ناشی از تعمیق شکاف‌های اجتماعی میان حزب حاکم و نخبگان ارتش پس از نمایان شدن ضعف دولت در برقراری امنیت، هزینه‌سازی فراوان دولت در بحران سوریه، ضعف شدید دولت در تقابل با گروهک‌های تروریستی و پ.ک.ک و... می‌داند.

چارچوب نظری

در بحث پیرامون بحران‌های اجتماعی، نخستین پدیده‌ای که باید مورد توجه قرار بگیرد، مفهوم مشروعیت است. اما هرگاه پدیده‌ای به‌طور منظم جریان نیابد یا حالتی از نابسامانی ایجاد شود، نظامی مختل گردد و یا حالتی غیرطبیعی پدید آید، بحران به‌وجود می‌آید. در چارچوب و روش سیستمی، بحران وضعیتی است که نظم اصلی یا قسمت‌هایی از آن سیستم را مختل کرده و پایداری آن را برهم زند. به عبارت دیگر، بحران وضعیتی است که تغییری ناگهانی در یک یا چند قسمت از عوامل متغیر سیستم به‌وجود می‌آورد. از سویی همانگونه که هر بحرانی با تغییر بنیادین همراه نیست، هر دگرگونی در صحنه سیاست هم ناشی از بحران نمی‌باشد. از نظر برداشت عمومی بحران عبارت است از به‌وجود آمدن شرایط غیرمعمول یا غیرمتعارف در روند حرکت یک سیستم. به دیگر سخن، بحران وضعیتی ناپایدار در یک یا چند قسمت از عناصر متغیر نظم موجود است (قائدی، ۱۳۸۲: ۳۱۷).

در باب مشروعیت نظام‌های سیاسی، ارسطو در کتاب سیاست چنین بیان نموده که برخی از نظام‌ها بر حق و عادلانه (نظام‌هایی که در جهت منافع مشترک شهروندان عمل می‌کنند) و برخی دیگر منحرف و فاسد هستند (نظام‌هایی که در جهت منافع خاص حکام و فرمانروایان عمل می‌کنند). روسو نیز در کتاب قرارداد اجتماعی خود به دنبال اثبات این فرضیه بود که چگونه می‌توان اقتدار سیاسی را مشروع ساخت یا به آن مشروعیت بخشید. بحث و استدلال مفروض روسو بر پایه مفهوم اراده عمومی استوار بود. تمام نظریه‌های مدرن کار خود را با این مفروض آغاز می‌کنند که مشروعیت باید به مسائلی چون اقتدار، قانونی بودن، تعهد و الزام، حقانیت و دیگر کیفیاتی از این دست بپردازد که با هر نظم سیاسی و اجتماعی همراه باشد. هر حکومت یا دولت زمانی

مشروع و واجد مشروعیت تلقی خواهد شد که از حق حکومت کردن برخوردار باشد. مشروعیت عمدتاً با بر حق بودن نظام‌های اجتماعی و سیاسی سروکار دارد که متضمن مطالعه اعتباریابی و حمایت از سوی شهروندان و در مقابل، تسلیم صرف یا سکوت محض آنان است که این مضمون از مباحث زیربنایی در نظریه سیاسی به شمار می‌رود و غالباً در چارچوب نظریه‌های مربوط به تعهد سیاسی تدوین و ارائه می‌گردد. در هر صورت تمامی یا تقریباً اکثر جوامع پیچیده انسانی به نوعی با مسئله مشروعیت سر و کار دارند؛ یعنی با این مسئله که آیا نظم سیاسی - اجتماعی موجود، سزاوار پیروی و تبعیت از سوی اعضا و اتباع آن است یا خیر و چرا؟ لیکن این مسئله در جوامع مدرن به مراتب حیاتی‌تر و زیربنایی‌تر از دیگر جوامع است (نوذری، ۱۳۸۴: ۶۵-۶۱).

لئونارد بایندر معتقد است بحران مشروعیت به تغییر در ماهیت اقتدار عالی‌ه هر کشوری اشاره دارد. به نظر وی در عصر مدرن حکومتی مقبول است که مردم آن را برگزینند، امین مردم باشد، برای منافع مردم کار کند، بازتابی از خصوصیات اصلی مردم باشد و ایده مردم را منعکس سازد. میزان مشروعیت ساختارهای حکومتی و غیرحکومتی نیز از توفیق یا شکست در اجرای مؤثر سیاست‌های اعلام شده یا سیاست‌های تبلور یافته در قوانین مصوب ناشی می‌شود. رژیم‌هایی که ظرفیت سیاسی خود را برای اهداف غیر مشروع به کار می‌گیرند یا در اجرای سیاست‌هایی که نمایانگر مشروعیت عملی نظام است، شکست بخورد، در جایی که باب مشارکت باز است و ظرفیت سیاسی رژیم مابین ساختارهای غیرحکومتی پخش شده، خود را در معرض خطرهای بزرگی قرار می‌دهد (خواجه سروی، ۱۳۷۷: ۲۳۶-۲۳۵). هابرماس در فصل پنجم کتاب مفاهیم و تکامل جامعه تحت عنوان معضلات مشروعیت در دولت مدرن به بحث و بررسی درباره چند نکته می‌پردازد؛ از جمله اشاره به پاره‌ای تمایزات نظری در بحث مشروعیت، بررسی و ارزیابی اصل مشروعیت در دوران مدرن، نحوه ظهور معضل مشروعیت مدرن از دل ساختارهای دولت بورژوازی، نحوه جابه‌جایی در دولت‌های سرمایه‌داری پیشرفته و بالاخره ارزیابی مفاهیم مختلف مشروعیت. به اعتقاد هابرماس، مشروعیت به معنای آن است که دلایل و استدلال‌های مناسب و متقنی برای اثبات داعیه صحت و بر حق بودن یک نظم سیاسی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر نظام سیاسی مشروع و برخوردار از

مشروعیت، نظامی است که بتواند استدلال‌های مناسبی دال بر این دو ادعا اقامه نماید؛ که اولاً صحیح و عادلانه باشد و ثانیاً به عنوان نظامی صحیح و عادلانه به رسمیت شناخته شود. بنابراین هر نظم مشروع، شایسته‌ی به رسمیت شناخته شدن است. بر این اساس هابرماس در خصوص معنای مشروعیت اظهار می‌دارد: مشروعیت به معنای تأیید و به رسمیت شناختن یک نظم سیاسی است و این چیزی نیست جز درستی و صحت ادعاهای آن مبنی بر عادلانه و بر حق بودن. به عبارت دیگر، مشروعیت عبارت است از هر پدیده یا امری که ارزش به رسمیت شناخته شدن و تأیید و حمایت از سوی حوزه عمومی یا افکار عمومی را داشته باشد (Habermas, 1996 : 178). تعریف هابرماس از معنای مشروعیت که عمدتاً ناظر به مشروعیت نظم سیاسی است، مبین آن است که مشروعیت یک داعیه اعتباری حاکی از اعتبار، اقتدار، هنجاری بودن، ارزشمند بودن آن- هاست. بر این مبنای ثبات و پایداری نظم سلطه منوط به شناسایی موقت آن است. بدین ترتیب این مفهوم عمدتاً در ارتباط با موقعیت‌هایی مطرح است که در آن مشروعیت یک نظم یا نظام مورد مناقشه قرار گرفته یا زیر سؤال رفته باشد که در آن صورت می‌گوییم معضلات یا بحران‌های مشروعیت سر برآورده‌اند. این جریان به صورت فرآیند یا روندی رخ می‌نماید که طی آن یک طرف منکر وجود مشروعیت است و طرف دیگر مدعی وجود مشروعیت است و بر آن اصرار می‌ورزد (نوذری، ۱۳۸۴: ۷۰-۶۹).

به‌طور کلی و با توجه به نظریه بحران مشروعیت، می‌توان مؤلفه‌هایی را برای دلایل بحران داخلی دولت اردوغان پس از تغییر در ساختار سیاسی در نظر گرفت. مؤلفه‌هایی چون نارضایتی و اعتراضات مردم نسبت به اتخاذ سیاست‌های اقتدارگرایانه از سوی اردوغان، منزوی کردن ارتش در محیط سیاسی داخلی، سرکوب مخالفان و... که در متن زیر در قالب این نظریه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

ساختار سیاسی

مجموعه نهادها و مراکزی که قدرت سیاسی را در دست دارند و یک کلیت واحد را به- وجود می‌آورند، ساختار سیاسی نامیده می‌شوند. این کلیت متأثر از تمامی خصلت‌ها و ویژگی‌هایی است که به جامعه مربوطه هویت می‌بخشند. به‌طور کلی می‌توان دو نوع

ساختار عمده را از هم تفکیک کرد: ۱) ساختار ساده و غیرتخصصی که در جوامع سنتی دیده می‌شود و در آن کارویژه‌ها و ارگان‌ها از هم تفکیک نشده‌اند؛ ۲) ساختار پیچیده، متنوع، تمایز گذاری شده، تخصصی و نهادینه است که در جوامع مجهز به فرهنگ سیاسی مشارکتی شکل می‌گیرد. قدرت سیاسی و شیوه استقرار آن، نهادها و سازمان‌های موجود در جامعه و زیر مجموعه‌های نظام سیاسی، عناصری هستند که می‌توانند نوع ساختار سیاسی را آشکار سازند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۹-۱۶۵).

قانون اساسی قبل از تغییر ساختار سیاسی

در قانون اساسی سال ۱۹۲۱ نظام حکومتی ترکیه از پادشاهی به جمهوری تغییر یافته بود و پس از تأسیس جمهوری نوین ترکیه به رهبری مصطفی کمال آتاتورک در سال ۱۹۲۳، نخستین قانون اساسی این کشور در سال ۱۹۲۴ به تصویب رسید؛ از ویژگی‌های مهم آن می‌توان به بنیانگذاری نظام لائیک به عنوان نظام حقوقی و سیاسی کشور که بر جدایی دین از سیاست و محوریت اراده ملی و نظام پارلمانی تأکید داشت، اشاره نمود (صفوی، ۱۳۹۵: ۱۴۴). قانون اساسی ترکیه به ترتیب در سال‌های ۱۹۷۱، ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ در پی تحولات داخلی، دچار تغییراتی گردید و سرانجام در سال ۱۹۸۲ قانون اساسی این کشور به همه‌پرسی گذاشته شد. طبق ماده یک قانون اساسی ۱۹۸۲، نوع حکومت کشور ترکیه، از نوع جمهوری تعیین شد. در ماده دو قانون، مشخصات جمهوری ترکیه با عنوان‌های دموکراتیک، غیردینی، دارای نظام اجتماعی مبتنی بر حمایت قانون و مفاهیمی چون صلح عمومی، انسجام، عدالت ملی، احترام به حقوق بشر و وفاداری به ناسیونالیسم آتاتورک، ترسیم شده است (فلاح‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۷). ترکیه تا سال ۲۰۱۷ دارای سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه بود که طبق قانون مستقل از یکدیگر عمل می‌کردند. حکومت این کشور از نوع ریاستی - پارلمانی بود؛ به این معنا که رئیس‌جمهور از طرف پارلمان برای یک دوره هفت ساله منصوب می‌شد. در این ساختار سیاسی ترکیه سه قوه مجریه وجود داشت که در ذیل به‌صورت مختصر بررسی هر یک از قوا می‌پردازیم:

قوه مجریه

قوه مجریه مرکب از رئیس‌جمهور، شورای امنیت ملی و هیأت دولت بود که طبق قانون اساسی ترکیه، رئیس‌جمهور برای یک دوره هفت ساله از سوی مجلس کبیر برگزیده می‌شد که ریاست قوه مجریه با او بود. از مهم‌ترین وظایف رئیس‌جمهور هماهنگی میان سازمان‌ها و نهادهای دولتی، تعیین نخست‌وزیر، تعیین اعضای سطوح بالای قوه قضائیه، تعیین رئیس بانک مرکزی و تعیین رئیس رادیو و تلویزیون ملی ترکیه بود. وی همچنین مجاز به انحلال مجلس و حق وتوی مصوبات مجلس را داشت اما در صورت ارجاع مجدد این مصوبات اختیار وتو از رئیس‌جمهور سلب می‌گردید. در نهایت در این نظام سیاسی با توجه به تشریفات بودن منصب ریاست‌جمهوری و عدم وتوی مجدد مصوبات مجلس توسط وی، این سمت تحت کنترل مجلس کبیر ملی که متشکل از احزاب سیاسی می‌بود.

۱۱۹

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

بحران داخلی دولت
اردوغان پس از
تغییر ساختار
سیاسی

قوه مقننه: مجلس ملی کبیر ترکیه که کار اصلی آن قانون‌گذاری و نظارت است تا قبل از تغییر ۵۵۰ نماینده داشت. طبق قانون اساسی این کشور، انتخابات پارلمانی هر پنج سال یکبار برگزار می‌شد و مهم‌ترین وظایف این مجلس به شرح زیر می‌بود:

- ۱) وضع، اصلاح و لغو قوانین با رأی دو سوم اعضا؛
- ۲) نظارت بر هیئت وزرا و عملکرد دولت؛
- ۳) تفویض اختیار به هیئت دولت در جهت صدور احکام حکومتی؛
- ۴) بررسی و تصویب لایحه بودجه؛
- ۵) اعلان جنگ و....
- ۶) انتخاب رئیس‌جمهور برای یک دوره هفت ساله از طرف مجلس و به پیشنهاد نخست‌وزیر صورت می‌گرفت.

قوه قضائیه

ماده ۱۳۸ قانون اساسی ترکیه به صراحت به استقلال نظام قضایی و دادگاه‌ها اشاره کرده است. قضات دادگاه‌ها بر اساس اصول قانون اساسی، رویه‌های قضایی و تجربیات فردی، قضاوت می‌کنند. هیچ نهاد، سازمان و یا مقام مسئولی حق دخالت، اعمال نظر و

توصیه به دادگاه، جهت تغییر رأی را ندارد، هرچند با دخالت قوه مقننه از طریق تصویب رأی محکومان به اعدام، عفو مجرمان و نیز دخالت قوه مجریه از طریق انتخاب تعدادی از اعضای دادگاه قانون اساسی به وسیله رئیس‌جمهور، استقلال این قوه زیر سؤال رفته است. نظام قضایی ترکیه به شرح زیر است:

۱. دادگاه قانون اساسی، که به بررسی مطابقت شکل و محتوای قوانین، احکام دارای پشتوانه و آیین‌نامه داخلی مجالس با قانون اساسی می‌پردازد و متشکل از ۱۵ عضو است.
۲. دیوان عالی استیناف که مرجع تجدید نظر در مورد تصمیمات و احکام صادره دادگاه‌ها و دیگر مواردی است که به‌طور قانونی به دیگر مقامات قضایی ارجاع نشده است.

۳. شورای کشوری که آخرین مرجع تجدید نظر در مورد تصمیمات و احکام صادره از سوی دادگاه‌های اداری است و مواردی که در قانون به دیگر دادگاه‌های اداری ارجاع نشده است.

۴. دادگاه‌های نظامی که به جرایم نیروهای مسلح رسیدگی می‌کند.
۵. دادگاه‌های نظامی استیناف که آخرین مرجع تجدید نظر در مورد تصمیمات و احکام صادره از سوی دادگاه‌های نظامی است.

۶. دادگاه‌های امنیت دولتی که به تخلفات علیه تمامیت ارضی کشور، نظم دموکراتیک جامعه و تخلفاتی که به‌طور مستقیم با امنیت داخلی و خارجی کشور ارتباط دارد، رسیدگی می‌کنند. این دادگاه‌ها نیز در راستای پیوستن به اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۴ منحل گشته و وظایف آن به دادگاه‌های کیفری محول گردیده است (فلاح‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۷-۴۱).

تغییر ساختار سیاسی ترکیه

قانون اساسی ترکیه بار دیگر به دنبال کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ در آوریل سال ۲۰۱۷ دچار تغییراتی در ۱۸ اصل خود گردید که از مهم‌ترین تغییرات در قانون اساسی می‌توان به افزایش کرسی‌های پارلمان از ۵۵۰ به ۶۰۰ کرسی و تغییر نوع نظام حکومتی ترکیه از نظام پارلمانی به نظام ریاستی اشاره کرد که این موضوع باعث افزایش قدرت روزافزون

نقش رئیس‌جمهور در ساختار سیاسی ترکیه شد. با تصویب نهایی اصلاحات صورت گرفته در قانون اساسی، رئیس‌جمهور این کشور می‌تواند در صورتی که پارلمان به دنبال تصویب قوانین یا اصلاح جدید قانون اساسی جهت کاستن از اختیارات رئیس‌جمهور باشد، پارلمان را منحل کند. بدین ترتیب هیچ قدرتی در ساختار سیاسی ترکیه عملاً نمی‌تواند مانع از قدرت بلامنازع رئیس‌جمهور این کشور شده یا وی را به علت اشتباهات احتمالی محاکمه یا برکنار کند، چرا که با اقدام فوری رئیس‌جمهور، امکان انحلال پارلمان وجود دارد. بر اساس اصلاحات صورت گرفته، اختیارات مجلس در انتخاب رئیس‌جمهور و نظارت بر وی از بین می‌رود و به همین سبب قدرت مانور احزاب مخالف در برابر حزب حاکم بسیار کمتر می‌شود. در این نظام حزب پیروز انتخابات مجبور به جلب رضایت سایر احزاب نخواهد بود. از سوی دیگر اصلاحات انجام گرفته باعث زیر سؤال رفتن استقلال دستگاه قضایی ترکیه خواهد شد، چرا که طبق قانون جدید رئیس‌جمهوری می‌تواند رئیس عالی‌ترین نهاد قضایی متشکل از قضات و دادستان‌ها را شخصاً منصوب کند. همچنین رئیس‌جمهور قادر خواهد بود ۱۲ نفر از ۱۵ عضو دادگاه قانون اساسی را که بلندپایه‌ترین مرجع ارجاع قضایی کشور است را تعیین کند؛ این در حالی است که این دادگاه مسئولیت نظارت بر عملکرد رئیس‌جمهور را بر عهده دارد. همچنین ضعیف بودن نهادهای نظارتی و پارلمان ترکیه آنجا مشخص می‌شود که برای ارجاع پرونده تخلف احتمالی رئیس‌جمهوری و نقض قانون توسط او از سوی پارلمان به دادگاه قانون اساسی، امضای دست‌کم ۴۰۰ نماینده نیاز است، این در حالی است که شخص رئیس‌جمهور در هر زمانی که بخواهد، می‌تواند پارلمان را منحل کند (Independent.co.uk, 2017). تصویب نهایی همه‌پرسی قانون اساسی در ترکیه باعث اقتدارگرایی روزافزون رئیس‌جمهور این کشور گردیده که مصداق بارز آن، تصمیم اخیر اردوغان برای عملیات جنگی چشمه صلح در شمال سوریه و شرق فرات علی‌رغم مخالفت‌های داخلی و خارجی است که منجر به آوارگی بیش از دهها هزار نفر از اکراد سوریه و احتمال فرار زندانیان داعشی در شهرهای مورد هجوم شده که در نهایت به روند دموکراتیک این کشور آسیب زده و ساختار سیاسی احزاب مختلف را با مشکل مواجه خواهد کرد؛ به این ترتیب اعتبار ترکیه به عنوان یک

دولت دموکراتیک در عرصه بین‌الملل خدشه‌دار شده و زمینه را برای اتخاذ تصمیمات خودسرانه و دیکتاتورمآبانه برای اردوغان فراهم می‌کند.

بحران داخلی دولت اردوغان پس از تغییر ساختار سیاسی

پس از آن که ترکیه امروزی بر خرابه‌های امپراتوری عثمانی بر اساس معاهده لوزان در سال ۱۹۲۳ بنا شد، بر اساس قانون اساسی مصوب سال ۱۹۲۴، نظام حکومتی این کشور از نوع نظام پارلمانی - ریاستی تعیین شد. اما پس از اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۱۷، نظام پارلمانی به ریاستی تغییر کرد و پست نخست‌وزیری حذف و اختیارات نخست‌وزیر به رئیس‌جمهور منتقل شد که این امر در نهایت منجر به افزایش قدرت، فردگرایی و اقتدارگرایی روزافزون اردوغان در ساختار سیاسی ترکیه شد. این امر باعث انحراف ترکیه از روند دموکراتیزه شدن گشته و بدین سبب نارضایتی‌های زیادی را در بین مردم و احزاب سیاسی مخالف دولت به وجود آورده است. در ذیل به عواملی که باعث نارضایتی برخی از احزاب سیاسی و بسیاری از مردم ترکیه از عملکرد دولت اردوغان که منجر به بحران مشروعیت شده، اشاره خواهیم کرد:

بحران کردستان ترکیه

بحث پ.ک.ک و اکراد مهم‌ترین چالش‌های داخلی ترکیه است. پس از تغییر در ساختار سیاسی ترکیه و قدرت‌یابی روزافزون اردوغان در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری، ایشان عزم خود را برای محدود کردن مخالفان جزم کرد و با اعلام اینکه دیگر با این شرایط نمی‌توان انتظار صلح و گفتگو با پ.ک.ک را داشته باشیم، چرا که هم پ.ک.ک بسیار ضعیف شده و هم ترکیه دیگر ترکیه سابق نیست و ما با ابزارهای اطلاعاتی قوی زمینی، هوایی و پلیسی که در اختیار داریم، شرایط دشواری را برای فعالیت پ.ک.ک فراهم خواهیم آورد. این در حالی است که اعتماد بین دولت و پ.ک.ک کاملاً از بین رفته و در همچنین فرصت ارزشمندی به نام حزب دموکراتیک خلق‌ها نیز از بین رفته است و در این رابطه هر دو طرف در از بین بردن حزب دموکراتیک خلق‌ها مقصر هستند (مسعودنیا؛ عالیشاه، ۱۳۹۶: ۲۰۵-۲۰۶). همین قضیه به نوعی سردرگمی اردوغان در

تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی را نشان می‌دهد که این موضوع موجب نارضایتی اکراد و شهروندان ترک شده است. جنگ اردوغان با اکراد در شمال سوریه که منجر به آوارگی صدها هزار کُرد و غیر کُرد شده سبب گردیده تا نه تنها در داخل مورد تنفر کُردها قرار گیرد، در خارج هم نزد بسیاری از دولت‌های جهان دچار بحران مشروعیت گردد.

آزادی بیان و مطبوعات

بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ در ترکیه تلاش‌هایی برای گسترش دموکراسی در این کشور انجام شد، موضوع پیوستن به اتحادیه اروپا، تحولات جهانی، نیازها و فشارهای داخلی انگیزه مهمی برای انجام اصلاحات در داخل ترکیه بود (بصیری؛ مجیدی نژاد؛ عالی‌شاهی، ۱۳۹۶: ۴۰). اما اردوغان بعد از تثبیت قدرت در داخل تغییر رفتار را برگزید و از اصلاحات به عنوان ابزاری برای به حاشیه راندن رقبای داخلی خود استفاده کرد. بر اساس گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، وضعیت شاخص‌های دموکراسی و حقوق بشر در دوره حکمرانی اردوغان چندان قابل دفاع نیست و ترکیه در برخی از شاخص‌ها حتی شاهد پسرفت نیز بوده است. همچنین در گزارش سازمان حقوق بشری "فریدام هاوس" در سال ۲۰۱۴ در زمینه آزادی مطبوعات، ترکیه از کشوری نیمه آزاد به فهرست کشورهای غیر آزاد پیوسته است. این کشور رتبه ۱۳۴ را در میان ۱۹۷ کشور داراست، یعنی عقب‌تر از کشورهای نظیر نیجریه، لبنان، تونس، کنیا، اوگاندا، الجزایر و کویت. این در حالی است که در سال ۲۰۱۳ ترکیه در رتبه ۱۲۰ قرار گرفته بود. "فریدام هاوس" در گزارش ۲۰۱۶ خود نیز وضعیت آزادی رسانه‌ها در ترکیه در سال ۲۰۱۵ را هشدار دهنده دانسته و اذعان داشت که حاکمیت اردوغان و حزب عدالت و توسعه به شکل فزاینده‌ای از قوانین مدنی و قوانین مبارزه با تروریسم در راستای مجازات کردن نویسندگان و منتقدان خود استفاده می‌کنند و روزنامه‌نگاران ترکیه در سال ۲۰۱۵ با خشونت‌های روزافزون، تهدید و ارباب از سوی حاکمیت این کشور مواجه هستند. این گزارش انتخابات پارلمانی، بحران سوریه و از سرگیری مناسبات با کارگران کُرد را از عوامل مؤثر در روند قطبی شدن سریع فضا و

افزایش فشار بر رسانه‌ها اعلام کرد؛ که می‌توان به دستگیری روزنامه‌نگاران روزنامه مشهور جمهوری به اتهام مربوط به تروریسم به دلیل انتشار گزارشی در خصوص ارسال سلاح به سوریه از طریق اعضای سرویس‌های امنیتی ترکیه و حمله گروهی به روزنامه "حریت" در سپتامبر ۲۰۱۵ به عنوان نمونه‌هایی در این رابطه اشاره کرد.

"گزارشگران" بدون مرز نیز در ژانویه ۲۰۱۴ به زوال آزادی مطبوعات در ترکیه اشاره کرده و در گزارش خود نوشتند که ترکیه از نظر آزادی مطبوعات در سال ۲۰۰۳، در رتبه ۱۱۶ قرار داشت، اما در سال ۲۰۱۴ به رتبه ۱۵۴ در میان ۱۷۹ کشور سقوط کرد (Rsf.org, 2014).

سازمان "دیده‌بان حقوق بشر" نیز با اشاره به آزادی‌های مطبوعاتی در ترکیه در گزارش جهانی خود در سال ۲۰۱۴ نوشت که حزب عدالت و توسعه سخت‌گیری زیادی نسبت به اپوزیسیون، سیاسیون، اعتراضات عمومی و رسانه‌های منتقد از خود نشان داده است. همین سازمان در گزارش جهانی سال ۲۰۱۲ خود نوشت که حزب عدالت و توسعه بعد از پیروزی در انتخابات سال ۲۰۱۱ در راستای کاهش حقوق و آزادی‌های مدنی در ترکیه گام‌های زیادی برداشته است (Hrw, 2014). ترکیه از طریق قانون به دنبال محدود کردن آزادی بیان پرداخته است. در راستای همین سرکوبگری-هاست که بالغ بر ۱۰۸ هزار سایت در ترکیه مسدود شده‌اند که شامل سایت‌های گُردی، انتقادی و سایت‌های وابسته به جنبش گولن هستند.

اوج دستگیری‌ها و فشار بر رسانه‌ها طبق اعلام برخی از سازمان‌های حقوق بشری از جمله فریدام هاوس بعد از کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ بود که طی آن حکم دستگیری ۹۰ روزنامه‌نگار صادر شد و سه آژانس خبری، ۱۶ کانال تلویزیونی، ۲۳ ایستگاه رادیویی، ۴۵ روزنامه، ۱۵ مجله و ۲۹ شرکت توزیع نشریات مسدود شدند. این روند پس از تغییر نظام سیاسی ترکیه در سال ۲۰۱۷ و اتخاذ سیاست‌های اقتدارگرایانه از سوی اردوغان برای محدودسازی رسانه‌ها که تا به امروز ادامه داشته، رویکرد تضعیف دموکراسی در ترکیه را تشدید کرده و نارضایتی مردم و اصحاب رسانه را به دنبال داشته که این امر بحران مشروعیت را برای اردوغان به وجود آورده است (Freedomhouse.org, 2019).

سرکوب مخالفان و پاکسازی نهادهای دولتی و قضایی

پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان در سال ۲۰۰۳، در راستای گسترش دموکراسی و الحاق این کشور به اتحادیه اروپا اصلاحاتی صورت گرفت. اردوغان با استفاده از این اصلاحات توانست رقبای خود مانند نظامیان، قضات و... را در محیط سیاسی داخلی ترکیه منزوی کند. اما بهانه اصلی که باعث شد تا اردوغان دست به تسویه حساب گسترده علیه مخالفان بزند، کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ بود که طی آن دولت اردوغان برای سرکوب مخالفان و پاکسازی نهادهای دولتی دست به اخراج، محاکمه و بازنشسته کردن اجباری نظامیان و عوامل دخیل در کودتا زد. اما اتفاق مهمی که می‌توانست به پاکسازی کامل نهادهای دولتی و قضایی ترکیه از لوث کودتاچیان بینجامد، تغییر و اصلاح در قانون اساسی و تغییر نظام پارلمانی به نظام ریاستی بود که این قدرت را به رئیس‌جمهور می‌داد تا در صحنه سیاسی به قدرتی بی‌بدیل تبدیل شود. در نهایت در آوریل سال ۲۰۱۷ این اتفاق افتاد و اصلاحات قانون اساسی با ۵۱/۲ درصد رأی موافق به تصویب رسید.

پس از تغییر نظام حکومتی ترکیه، اردوغان اقدام به پاکسازی گسترده ارتش، نهادهای دولتی و قضایی و به‌خصوص گولنی‌ها که از عاملان اصلی کودتا بودند، نمود. این پاکسازی‌ها در ارتش تا این اواخر نیز ادامه داشت که ۲۲۳ نفر به اتهام ارتباط با جنبش گولن دستگیر و محاکمه شدند. این تسویه حساب‌ها، تصویب قوانین جدید و روی کار آمدن نفرات جدید که هم‌سو با سیاست‌های اقتدارگرایانه اردوغان بودند، موجب شد تا نارضایتی‌ها از سیاست‌های اقتدارگرایانه اردوغان بیشتر شده و به نوعی محبوبیت حکومت در نزد مردم ترکیه کمرنگ شود و اردوغان و حزب عدالت و توسعه طرفداران خود را نسبت به زمان قبل از کودتای ۲۰۱۶ از دست بدهند؛ در ثانی این تسویه حساب‌ها در ارتش باعث گردید تا اردوغان در اجرای سیاست‌های ایده‌آل خود در آینده با مشکل مواجه شود و این قضایا نشان دهنده به وجود آمدن نوعی بحران مشروعیت در محیط سیاسی داخلی برای اردوغان و حزب متبوعش می‌باشد.

انتخابات شهرداری استانبول

در انتخابات شهرداری استانبول که در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۱۹ برگزار شد، آقای اکرم امام اوغلو در قالب ائتلاف جمهور که نامزد دو حزب جمهوری خواه خلق و خوب بود و آقای بن‌علی ییلدریم در قالب ائتلاف مردم که نامزد دو حزب عدالت و توسعه و حرکت ملی‌گرای ترکیه بود، به رقابت با یکدیگر پرداختند که در نهایت آقای امام اوغلو پیروز میدان شد. اما حضور امام اوغلو به عنوان شهردار استانبول ۱۸ روز بیشتر طول نکشید و کمیسیون انتخابات ترکیه با فشار دولت اردوغان دستور ابطال انتخابات و برگزاری دوباره آن را صادر کرد (Washingtonpost.com, 2019). امام اوغلو در دور دوم انتخابات نیز مانند دور اول پیروز میدان شد. نتیجه انتخابات شهرداری استانبول برای آینده سیاسی اردوغان و حزب عدالت و توسعه بسیار مهم ارزیابی می‌شود؛ زیرا حزب عدالت و توسعه حزبی است محافظه‌کار که گرایش آن بیشتر به اسلام و روزگار عثمانی است. در مقابل، حزب جمهوری خواه خلق، حزبی سکولار و ملی‌گرا و پیرو خط آتاتورک است در ثانی پست شهردار یک پست سیاسی مهم در ترکیه به شمار می‌رود و اردوغان به هیچ وجه راضی به از دست دادن آن نبود؛ همچنین در انتخابات شهرداری از میر و آنکارا نیز حزب عدالت و توسعه شکست خورده بود و این برای آینده سیاسی اردوغان بسیار فاجعه‌بار بود و در نهایت شکست حزب حاکم و پیروزی مجدد امام اوغلو در انتخابات شهرداری استانبول، این سیاستمدار ۴۹ ساله کم تجربه ولی پر انرژی را به نماد پیروزی بر حزب حاکم و اردوغان تبدیل کرده است. در نهایت می‌توان گفت با توجه به این که پست شهرداری از اهمیت بالایی در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری ترکیه برخوردار است، شهروندان استانبول نیز که دارای فرهنگ سیاسی بالایی در جامعه ترکیه می‌باشند، در اعتراض به اتخاذ سیاست‌های اقتدارگرایانه اردوغان و حزب عدالت و توسعه، با مشارکت فعالانه خود در انتخابات شهرداری تصمیم به تغییر رفتار رأی‌دهی خود نمودند که این امر نشان از ایجاد بحران مشروعیت برای اردوغان در جامعه ترکیه دارد.

برکناری شهرداران دیاربکر، وان و ماردین

پس از شکست حزب عدالت و توسعه در انتخابات شهرداری کلانشهرهایی چون استانبول، آنکارا و ازمیر، این بار وزارت داخله ترکیه با دستور اردوغان اقدام به تعلیق همزمان سه شهردار مناطق عمدتاً کردنشین وان، ماردین و دیاربکر کرد که مردم این شهرها در اعتراض به تعلیق این شهرداران روز دوشنبه مورخ ۱۹ اوت ۲۰۱۹ در مقابل شهرداری دیاربکر، پایتخت منطقه کردنشین جنوب شرق ترکیه نسبت به اتخاذ این تصمیم از سوی وزارت داخله تجمع کردند. شهرداران این سه شهر عمدتاً کردنشین، از پنج ماه پیش و پس از پیروزی در انتخابات ۳۱ مارس ۲۰۱۹، کار خود را به عنوان شهرداران منتخب آغاز کرده بودند. آقایان عدنان سلجوق میرزاکلی شهردار دیاربکر، احمد ترک شهردار ماردین و خانم بدیعه اوزگوکچه ارتان شهردار وان، از سوی وزارت داخله ترکیه از کار برکنار شدند. بر اساس بیانیه‌ای که از سوی وزارت داخله منتشر شد، این سه نفر در چندین پرونده به بهانه‌های مختلف از جمله عضویت در یک سازمان تروریستی مورد پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند. سخنگوی وزارت داخله ترکیه می‌گوید که شهرداران این سه شهر به‌جای تأمین نیازهای محلی شهروندان، منابع و امکانات شهرهای تحت مدیریت خود را در جهت حمایت و پشتیبانی از تروریسم مصرف کرده‌اند.

اردوغان نیز این شهرداران (که عضو حزب دموکراتیک خلق‌ها هستند) و حزب دموکراتیک خلق‌های این کشور را متهم به وابستگی به حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) می‌کند؛ زیرا این حزب از سوی آنکارا و متحدان غربی‌اش در فهرست سیاه سازمان‌های تروریستی قرار دارد و به همین دلیل پس از دستگیری رهبر مشترک و انتخابی حزب دموکراتیک خلق‌ها در سال ۲۰۱۶، اعضای این حزب تحت فشارهای شدید و سرکوب قرار گرفتند (Humanrights-ev.com, 2019). در نهایت می‌توان گفت این موج برکناری و سرکوب‌ها در آینده‌ی نزدیک می‌تواند برای اردوغان و حزب متبوعش خطرآفرین باشد؛ زیرا انجام این قبیل از کارها باعث شده تا موجی از نارضایتی‌ها در ترکیه علیه حزب عدالت و توسعه و اردوغان به راه بیفتد و اردوغان را با

چالش بحران مشروعیت مواجه کند که این امر خود را در انتخابات شهرداری‌ها در سه شهر بزرگ ترکیه با تغییر رفتار رأی‌دهی شهروندان ترکیه خود را نشان داد.

برکناری رئیس بانک مرکزی

پس از تغییر و تحولات گسترده در ساختار سیاسی ترکیه، روز ششم ژوئیه سال ۲۰۱۹ مراد چتین کایا رئیس بانک مرکزی ترکیه با دستور مستقیم اردوغان از کار برکنار شد. یکی از مهم‌ترین دلایل که به برکناری چتین کایا منجر شد، مشاجره بر سر نرخ بهره بانکی بود؛ چتین کایا از سال ۲۰۱۶ عهده‌دار ریاست بانک مرکزی ترکیه بود. او با هدف تقویت واحد پول این کشور اقدام به افزایش نرخ بهره بانکی کرده بود. در دوره زمامداری چتین کایا، نرخ بهره بانکی بیش از شش درصد افزایش یافته و به ۲۴ درصد رسیده بود. این در حالی است که اردوغان از رئیس بانک مرکزی بارها خواسته بود تا نرخ بهره را کاهش داده تا تمایل به سرمایه‌گذاری در اقتصاد این کشور افزایش یابد. چتین کایا نیز بر استقلال بانک مرکزی از دولت و سیاست‌های پولی و مالی آن اصرار داشت. اما برکناری غیرمنتظره رئیس بانک مرکزی ترکیه به نگرانی‌های بانکداران این کشور دامن زده است. به نقل از یکی از بانکداران بزرگ ترکیه که در مصاحبه با رویترز اظهار کرده که مهم‌ترین نگرانی بانکداران ترکیه ناظر بر حفظ استقلال بانک مرکزی است. به باور بانکداران ترکیه، برکناری رئیس بانک مرکزی توسط اردوغان عملاً استقلال عمل این نهاد مالی را از بین می‌برد.

اپوزیسیون ترکیه نیز اردوغان را متهم به گروگان گرفتن بانک مرکزی کرده است. یکی از نمایندگان اپوزیسیون ترکیه گفته است برکناری شبانه رئیس بانک مرکزی عملاً به اعتماد مردم به سامانه مالی ترکیه آسیب می‌رساند (Dw.com, 2019). برکناری چتین کایا در شرایطی صورت گرفت که نرخ تورم در ترکیه در ماه ژوئن به کمترین میزان خود در سال جاری رسیده بود و چنین امری می‌توانست کاهش نرخ بهره بانکی در ترکیه را ممکن سازد. هرچند اختلاف بر سر سیاست‌های پولی و مالی دلیل اخراج چتین کایا از سمتش اعلام شده است، اما این دلیل منطقی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا کاهش نرخ بهره بانکی نمی‌تواند دلیل متقنی برای اخراج رئیس بانک مرکزی باشد، آن هم در

شرایطی که تورم در ترکیه رو به کاهش بود. گفتنی است که اختلاف چتین کایا و اردوغان از آن جایی آغاز شد که رئیس بانک مرکزی به استقلال این نهاد تأکید داشت که با سیاست‌های اقتدارگرایانه اردوغان ناسازگار بود و همین امر در نهایت منجر به برکناری چتین کایا از سمتش از سوی اردوغان گردید. اما این‌گونه برکناری‌ها و سرکوب‌ها در ساختار سیاسی در نهایت اردوغان و حزب عدالت و توسعه را با بحران مشروعیت در نزد افکار عمومی ترکیه مواجه خواهد کرد و این موضوع باعث خواهد شد تا اردوغان در اجرای سیاست‌های خود از حمایت مردمی کمتری نسبت به سال‌های قبل برخوردار باشد.

۱۲۹

اردوغان و ریزش در حزب عدالت و توسعه

پس از اخراج گسترده مخالفان از سمت‌های مختلف دولتی و غیر دولتی و تغییر در ساختار سیاسی ترکیه، این بار نوبت به ایجاد تغییرات در ساختار حزب عدالت و توسعه فرا رسیده بود. با توجه به اتخاذ سیاست‌های اقتدارگرایانه از سوی اردوغان، حزب عدالت و توسعه با ریزش‌هایی مواجه شده است. به طوری که در اواسط سال ۲۰۱۹ عبدالله گل نخست وزیر سابق و علی باباجان معاون نخست وزیر سابق به دلیل تشدید اختلاف نظر با اردوغان از این حزب جدا شدند؛ دو ماه بعد نیز احمد داود اوغلو سیاستمدار کهنه‌کار که در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ سمت وزیر امور خارجه ترکیه را بر عهده داشت و پس از آن در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ نخست وزیر و متحد اصلی اردوغان بود، از این حزب استعفا کرد. از دلایل جدایی این افراد می‌توان به مشی اقتدارگرایانه اردوغان و انتقاد از شیوه اداره حزب عدالت و توسعه از سوی رهبران و مسئولان این حزب اشاره کرد.

خبر استعفای داود اوغلو از حزب عدالت و توسعه چند ماه پس از آن صورت گرفت که برخی رسانه‌ها از جمله آناتولی از تشکیل یک حزب جدید به عنوان رقیب حزب سابقشان خبر داده بودند. چندی پیش برخی از رسانه‌ها اعلام کردند که داود اوغلو به همراه گل و باباجان و برخی از اعضای حزب عدالت و توسعه در تلاشند تا در مخالفت با سیاست‌های اردوغان و حزب عدالت و توسعه یک حزب جدید را در فصل

پاییز به رهبری باباجان تأسیس کنند (Reuters.com, 2019). به نظر می‌رسد ریزش در حزب عدالت و توسعه همراه با ایجاد یک جریان سیاسی جدید منشعب از دل این حزب، و تمایل عضویت بسیاری از اشخاص برجسته ترکیه در آن (داود اغلو، علی باباجان، عبدالله گل، بولنت آرینچ، سعدالله ارگون، مهمت شیمشک) و با رویکردی میانه می‌تواند به چالشی بزرگ برای حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان تبدیل شود. در کنار این جریان بزرگ سیاسی مخالف اردوغان، احزاب سیاسی دیگری چون حزب اسلام‌گرای سعادت به رهبری تمل کاراملا، حزب وحدت به رهبری دستیچی، حزب وطن به رهبری دوغو پرینچک، حزب دوباره رفاه به رهبری فاتح اربکان، حزب اسلام-گرای کردی هدایار به رهبری اسحاق ساغلام و حمایت مرال آکشنر رهبر حزب خوب از احزاب تازه تأسیس، همگی نگرانی خود را از نوع رهبری اردوغان در هدایت ترکیه اعلام نموده‌اند (tasnimnews.com).

نتیجه‌گیری

پس از تأسیس جمهوری نوین ترکیه در سال ۱۹۲۳، نظام حکومتی این کشور از نوع نظام پارلمانی - ریاستی تعیین شد؛ در این نظام رئیس جمهور برای یک دوره هفت ساله از سوی پارلمان انتخاب می‌شد که منصبی تشریفاتی بود. اما با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان در سال ۲۰۰۳، وی جهت اقتدارگرایی روزافزون خود اقدام به اصلاحات گسترده در ساختار سیاسی و دموکراتیزه کردن ظاهری ترکیه به بهانه پیوستن به اتحادیه اروپا کرد تا از این طریق نظامیان و مخالفان حزب عدالت و توسعه را که طرفدار نظام لائیک و سنت کمالیستی بودند، با خود همسو نماید. اوج این اصلاحات را در محاکمه و پاکسازی نهادهای دولتی و قضایی از لوث مخالفان پس از کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶، اصلاحات قانون اساسی و تغییر نظام حکومتی به ریاستی در سال ۲۰۱۷ که منجر به کاهش قدرت مخالفان در ساختار سیاسی ترکیه شد، می‌توان مشاهده کرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مردم و هم‌حزبی‌های سابق اردوغان با اتخاذ سیاست‌های اقتدارگرایانه وی مخالف بوده و اقدام به اعتراض و استعفا نموده‌اند و دلیل این اقدامات در قالب نظریه بحران مشروعیت، شیوه حکومت‌داری و اقتدارگرایی

روزافزون اردوغان در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری ترکیه می‌باشد. عجم اغلو معتقد است که دولت‌هایی که حاکمیت قانون را برقرار نمی‌سازند، در دام اندک‌سالاری گرفتار شده و سعی می‌کنند با قانون اندک‌سالاری مسائل را حل نمایند و این به معنی دوری از مردم سالاری می‌باشد (عجم اغلو، ۱۳۹۸). مردم به دلیل عدم حل مشکلات و حتی تشدید بحران کردستان ترکیه، کاهش آزادی بیان، سانسور مطبوعات، سرکوب مخالفان و پاکسازی نهادهای دولتی و قضایی، ابطال نتایج انتخابات شهرداری استانبول، برکناری شهرداران دیاربکر، وان و ماردین و اخراج رئیس بانک مرکزی، در شهرهای مختلف بر علیه دولت اردوغان به تظاهرات پرداختند. مسئولان سابق حزب عدالت و توسعه همچون داود اوغلو، عبدالله گل و علی باباجان از حزب عدالت و توسعه کناره‌گیری و اقدام به تأسیس حزب جدید نمودند. در نهایت روند بحران داخلی اردوغان که متاثر از عدم پشتیبانی بخش مهمی از مردم در اجرای سیاست‌های حزب حاکم، تغییر رفتار رأی‌دهی شهروندان ترکیه در انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۹، عدم پذیرش نظام سیاسی حاکم به عنوان یک نظام بر حق از سوی طیف‌های مختلف سیاسی، مشکلات بسیاری را برای اردوغان و حزب عدالت و توسعه بوجود آورده است. در صورت ادامه این بحران، احتمال نارضایتی مجدد از سوی ارتش و احزاب سیاسی جدید و قدیم و حتی اعتراضات گسترده‌ی مردمی علیه اردوغان و حزب او در آینده دور از انتظار نخواهد بود.

منابع

- استانفورد جی. شاو، ازل کورال شاو. (۱۳۷۰). *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید ۱۸۰۸-۱۹۷۵*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، تهران: معاونت فرهنگی آستان قدس.
- اشرف نظری، علی، سلیمی، برهان. (۱۳۹۵). «حکمرانی حزب عدالت و توسعه و آینده شکاف‌های اجتماعی در ترکیه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نوزدهم، شماره سوم، صص ۲۷-۸.
- اکبری، نورالدین. (۱۳۹۶). *فراز و فرود اسلام‌گرایان در ترکیه*، تهران: نشر مخاطب.

انصاری، جواد. (۱۳۷۳). *ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

بایندر، لئونارد. (۱۳۷۷). «بحران‌های سیاسی»، ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پاییز، شماره اول، صص ۲۳۶-۲۳۵.

بصیری، محمدعلی، عالیشاهی، عبدالرضا. (۱۳۹۶). «علت‌کاوای کودتای نافرجام ۲۰۱۶ ارتش ترکیه علیه حزب عدالت و توسعه»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، شماره ۳۷، صص ۶۴-۳۹.

حکیم‌پور، علی. (۱۳۹۷). *نگاهی به ترکیه*. تهران: ۱۳۹۷، مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی.

حیدرزاده نائینی، محمدرضا. (۱۳۸۰). *تعامل دین و دولت در ترکیه*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

خواجه‌سروی، غلامرضا، میرزایی، حسین. (۱۳۹۱). «اسلام سیاسی در ترکیه و آینده آن»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال ۱۹، شماره ۶۸، صص ۲۳۶-۲۳۵.

دهشیار، حسین. (۱۳۹۵). «خاورمیانه‌ای شدن ترکیه»، *نشر صدا*، شماره ۹۰، دوره جدید، دوم مردادماه، صص ۱۷۲-۱۴۵.

صارمی، امین، شفیعی، نوذر. (۱۳۸۲). «ارتش سیاست و امنیت در ترکیه»، *مجله دانش انتظامی*، سال پنجم، بهار، شماره ۱۶، صص ۹۵-۸۶.

صفوی، سیدحمزه. (۱۳۹۵). *ترکیه مجموعه کشورهای اسلامی*. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی - موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام.

عجم اغلو، دارون و رابینسون، جیمز ای. (۱۳۹۸). *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟ ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر*، مترجمان محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی‌پور، چاپ هشتم، تهران: روزنه.

غفاری، مسعود، اکبری، نورالدین. (۱۳۹۱). «اصلاح قانون اساسی در ترکیه و تاثیر آن بر پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا»، *فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، سال چهارم، تابستان، شماره ۱۱، صص ۱۸۸-۱۵۷.

فلاح‌زاده، محمدهادی. (۱۳۸۴). *آشنایی با کشورهای اسلامی (۳) ترکیه*، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. قاندری، محمدرضا. (۱۳۸۲). «مولفه‌های نظری بحران»، *فصلنامه راهبرد*، پاییز، شماره ۲۹، ص ۳۱۷.

مسعودنیا، حسین، عالیشاهی، عبدالرضا. (۱۳۹۶). «کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه بر اساس نظریه شکاف‌های اجتماعی»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۲۱۰-۱۷۵.

نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: انتشارات سمت. نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۴). «بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۷۱-۴۴.

ولی‌زاده میدانی، رامین، پیروزفر، مهدی. (۱۳۹۶). *جمهوری سوم ترکیه*، چاپ اول، تهران: انتشارات رواق اندیشه.

نورالدین، محمد. (۱۳۸۳). «ترکیه به کدام سو؟ حزب عدالت و توسعه در قدرت»، ترجمه عبدالرضا همدانی، تهران، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۱۹، صص ۱۴۱-۱۵۴.

ولی‌زاده میدانی، رامین؛ دلخون قراملکی، علی. (۱۳۹۶). *کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه*، قم: انتشارات معارف معنوی.

Habermas, Jurgen. (1996). **Theory and practice**, translated by John Viertel (Cambridge: Polity Press).

منابع اینترنتی:

<https://www.independent.co.uk/news/world/europe/turkey-president-recep-tayyip-erdogan-referendum-constitutional-reform-a7539286.html>.21/1/2017/Dominique Soguel

<http://freedomhouse.org/report/freedom-world/24-03-2019>

<http://www.hrw.org/world-report/country-chapters/turkey/2014>

<https://humanrights-ev.com/turkish-governments-decision-regarding-the-dismissal-of-elected-mayors-of-diyarbakir-mardin-and-van/amp/22/08/2019>

<https://www.reuters.com/article/amp/idUSKCN1VY0WV/25/06/2019/Omit Bektas>

<http://www.rsf.org/en/ranking /2014>
<https://www.washingtonpost.com/world/2019/06/25/global-importance-istanbuls-election/Ishaan Tharoor>

خبرگزاری تسنیم، "سیاست داخلی ترکیه از کودتا تا همه‌پرسی اصلاحات قانون اساسی"، بهار ۱۳۹۶، شماره ۱۹۰۹۵۶۱، قابل دسترس در:

<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/01/28/1909561>
رادمرد، محمد (۱۳۹۸)، "عثمانی‌گری به سبک رجب طیب اردوغان"، پایگاه تحلیلی برهان:

<http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=4387/21/07/1398>
خبرگزاری تسنیم "گزارش وضعیت مخالفین سیاسی در ترکیه" آذر ۱۳۹۸، شماره ۲۰۵۰۴۷۵، قابل دسترس در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/04/18/2050475>
قهرمان‌پور، محمد (۱۳۸۹)، "اصلاحات قانون اساسی ترکیه، گامی جدید به سوی دموکراسی"، قابل دسترس در سایت گفتگو با دیپلماسی ایرانی:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/8641/11/07/1398>
<https://www.dw.com/fa-ir/economy/a-49496536/06/07/2019>

۱۳۴

پژوهش‌های روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره نهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

سی و سوم

پاییز ۱۳۹۸